

## تبیین رسالت دانشگاه و دانشگاهیان در مقابله با جنگ نرم

سید محمد حسینی<sup>۱</sup>  
حسینعلی جاهد<sup>۲\*</sup>

۱. دکترای فقه و حقوق اسلامی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. مدیریت آموزش عالی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، تهران، ایران.

### چکیده

ساختار جوامع پیچیده کنونی متأثر از دانش و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. به دلیل پیچیدگی انسان و جوامع انسانی و همچنین دانش محور بودن فعالیت‌های اجتماعی، لازم است دانشگاه‌ها در رسالت‌های قبلی خود یعنی آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی، تجدید نظر کرده و بر رسالت‌های متناسب با نیاز جامعه ملی و جهانی توجه کنند. در جوامع کنونی جنگ نرم در انواع مختلفی همانند جنگ رسانه‌ای، جنگ فکری و فرهنگی و جنگ اعتقادی و ارزشی، در قالب‌های مختلف و با استفاده از ابزارهای متنوعی از جمله مطبوعات، کتاب‌ها، وبلاگ‌ها، گروه‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، بازارهای مد و لباس، انقلاب‌های رنگی مجازی و واقعی، و فرقه‌های انحرافی شکل گرفته و در حال گسترش هستند. عملیات روانی این جنگ‌ها شامل همه‌ی اقشار اجتماعی، همه مکان‌ها و زمان‌ها است و تأثیر آن در بین نخبگان و دانشگاهیان، به دلیل ارتباط بیشتر و مستقیم‌تر آن‌ها با جامعه‌ی اطلاعاتی بیشتر است. بنابراین رسالت بنیادین دانشگاه (پاسخگویی به نیازهای علمی، اطلاعاتی و تمدنی جامعه) ایجاب می‌کند با ورود آگاهانه، شجاعانه و به موقع به محیط مذکور، به رسالت فرهنگی خود در عرصه‌ی جنگ نرم جامعه‌ی عمل بیوشاند. مقاله حاضر با بررسی و تبیین انواع جنگ نرم، به تشریح رسالت دانشگاه در مواجهه با آن‌ها پرداخته، و راهکارهای عمل به این رسالت را به جامعه دانشگاهی پیشنهاد کرده است.

**کلید واژه‌ها:** جنگ نرم، جامعه اطلاعاتی، آموزش عالی، رسالت دانشگاه، رسالت فرهنگی.

این واقعیت که جامعه‌ی معاصر تحت تأثیر مؤلفه‌های فناوری‌های نوین، جهانی شدن و تأثیرات جامعه‌ی اطلاعاتی، به شبکه‌ای پیچیده تبدیل شده که ویژگی بارز آن ارتباط عمیق و گسترده‌ی عناصر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با یکدیگر است؛ ما را به آنجا رهنمون می‌شود تا تصویری نوین از جنگ و منازعه ارائه نماییم. جنگی که در آن ابعاد و مؤلفه‌های نرم‌افزاری بر شاخص‌های سخت‌افزاری غلبه دارد. در این میان دانشگاه و دانشگاهیان موقعیتی متمایز دارند. دلیل این امر به ماهیت جوامع نوین و ویژگی‌های آن باز می‌گردد. در جامعه جهانی حاضر به دلیل تلفیق فرهنگ‌ها، نمادها و نشانه‌ها به تدریج معنای اصلی خود را از دست داده و بیشتر به سمت یکسان‌سازی می‌روند. این امر باعث تقلید در ارزش‌ها، رفتارها و سایر امور فرهنگ‌ساز، و زنگ خطری برای فرهنگ‌های ضعیف و جوامع بی‌سواد از لحاظ سواد اطلاعاتی و فرهنگی است. امروزه افراد و گروه‌های معنا‌ساز و فرهنگ‌ساز بیشتر از افرادی هستند که مسئولیت مدیریت فرهنگی جوامع را بر عهده دارند. همچنین هماهنگی میان سازمان‌های مدیریت فرهنگی به دلیل وارد شدن مسائل سیاسی، اقتصادی و ... در مسائل فرهنگی معمولاً اتفاق نمی‌افتد و این یعنی عدم اتحاد سازمان‌های فرهنگی جامعه اطلاعاتی، برای مدیریت فرهنگی که قرار است انسان را به سمت تعالی، اخلاق، معنویت، آراستگی ظاهر و باطن و وارستگی از ظاهر و باطن برساند.

### ۱. جنگ نرم: چیستی و گونه‌ها

جنگ نرم، جنگ معانی، نمادها، نشانه‌ها، رسانه‌ها، فرقه‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی است و ممکن است در قالب‌های مختلفی از قبیل صدا، تصویر، نرم‌افزار، بازی و انجمن‌ها خود را نشان دهد. گستره مفهومی جنگ نرم وسیع‌تر از تهاجم فرهنگی است و با توجه به پیشرفت‌های فناورانه و درهم تنیده‌تر شدن روابط اجتماعی، محدوده‌ی عملیاتی بزرگ‌تری را شامل می‌شود.

#### ۱-۱. چیستی جنگ نرم

جنگ نرم به روش‌های متنوعی انجام می‌شود. هدف نهایی جنگ نرم تغییر نظام سیاسی و اعمال سلطه با روشی متفاوت از جنگ سخت است و ویژگی بارز آن استفاده از قدرت نرم می‌باشد. قدرت نرم را ارزش‌های انسانی و قدرت سخت را نیروی نظامی توصیف می‌کند (کامیار، ۱۳۸۶: ۱۳۰). در جدول ۱ ویژگی‌های مهم جنگ نرم ذکر شده است.

جدول ۱: تفاوت‌های مهم جنگ سخت با جنگ نرم

موضوع	ویژگی
هدف	تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای رفتاری و سلب هویت فرهنگی
کیفیت ابزارها	ابزارهای صوتی و تصویری، نوشتاری و تخریب‌کننده روحیه، روان، ارزش‌ها و شخصیت‌ها
تشخیص جنگ و آمادگی دفاع	هجوم به همراه دروغ‌پردازی، تفرقه‌افکنی، شبهه‌افکنی و ... بدون آگاه شدن اکثریت، متوجه انجام و دفاع محدود است.
عینیت و قابلیت اندازه‌گیری	پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان بوده و اندازه‌گیری آن مشکل است.
منبع قدرت	القاء و اقناع عمدتاً روانی
قابل پیش‌بینی بودن	دشواری زیاد در شناسایی زمان، مکان، شدت، گستردگی و تجهیزات مورد استفاده
مفهوم امنیت	امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی
مرجع امنیت	هویت‌های فردی، گروهی و جهانی
واکنش حریف	غیرمحسوس و اغلب فاقد عکس‌العمل
پیروز جنگ	حریف دارای بصیرت، علم، انسجام فکری، هویت، معنویت و توان شبکه‌سازی قوی‌تر
مکان و زمان	ملی و فراملی، ذهن‌ها و افکار
همراهان	احتمالاً همه‌ی دولت‌ها و ملت‌ها

## ۱-۲. گونه‌های جنگ نرم

به‌طور کلی جنگ نرم در شش طبقه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی قابل بررسی است. در این طبقه‌بندی عمدتاً جنگ نرم در دو طبقه فرهنگی و اجتماعی و سپس در حوزه‌های علمی و سیاسی انجام می‌شود و جنگ اقتصادی و نظامی اغلب به هر دو صورت سخت و نرم انجام می‌شود. در نوشتار حاضر گونه‌های اصلی زیر مدنظر هستند:

### ۱-۲-۱. جنگ نرم فرهنگی

«فرهنگ، کیفیت یا شیوه‌ی بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌هاست که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در

حیات معقول تکاملی باشد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۱۰). بر این اساس، عناصر فرهنگ متنوع بوده و هدایت کننده سبک زندگی است. در جامعه‌ی امروز این بایسته‌ها و شایسته‌ها از مسیرها و حوزه‌هایی به انسان‌ها منتقل می‌شود که هر کدام می‌توانند راه‌های نفوذ و تغییر فرهنگ‌های دیگر باشند. این حوزه‌ها که جنگ نرم فرهنگی در آن‌ها شکل می‌گیرد به شرح زیر هستند:

**الف. حوزه‌ی رسانه‌ای:** جنگ رسانه‌ای از برجسته‌ترین مؤلفه‌های جنگ نرم محسوب می‌شود. چرا که رسانه‌ها ابزارهای قوی برای تحمیل اراده هستند (گروه مطالعاتی دانشکده‌ی امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۸۰).

**ب. حوزه‌ی ارزشی و هنجاری:** عرصه فرهنگ، عرصه‌ی بایدها و نبایدها و عرصه‌ی جلوه‌گری مکاتب حق و باطل، و بازسازی فرهنگی به معنای مبارزه با اندیشه‌های باطل، برداشت‌های نادرست، گرایش‌های شیطنی، روش‌های غلط و مکاتب انحرافی و جایگزینی حق و صواب است. پیداست که چنین مبارزه‌ای با زور سلاح‌های گرم و بسیج نیروهای فیزیکی میسر نیست. هرگونه مبارزه با زبان، آداب و رسوم، هنجارها، قهرمان‌ها و الگوهای سرنوشت‌ساز جامعه در حوزه جنگ نرم قرار می‌گیرد.

**ج. حوزه‌ی مذهبی و اعتقادی:** «بدون علم نمی‌شود، با علم بدون دین هم نمی‌شود، جامعه باید جامعه‌ی دینی باشد و در رأس آن هم دانشگاه است» (عبدلی و عباسی، ۱۳۹۱: ۴۱). ترویج فرقه‌های انحرافی، تعبیر و تفسیر نادرست آموزه‌های دینی، تاریخ گذشته نشان دادن دین، اختلاف افکنی بین مذاهب یک دین، توهین به شخصیت‌ها و رهبران دینی و بی‌ارزش جلوه دادن علم و کار آن‌ها از جمله روش‌های جنگ نرم در این حوزه هستند.

### ۱-۲-۲. جنگ نرم اجتماعی

می‌توان جنبه‌هایی از زندگی جمعی انسان‌ها را پیدا کرد که پایه‌های زندگی اجتماعی را شکل می‌دهند و شکل‌گیری و تحول فرهنگ تحت تأثیر آن‌ها است. این حوزه‌ها که جنگ نرم در آن‌ها انجام می‌شود به شرح زیر هستند.

**الف. حوزه‌ی آداب و قوانین:** در عصر جهانی شده، فضا در کانال‌های سرزمین‌زدایی شده ارتباطات قرار گرفته است. فضا دیگر تحت سیطره‌ی دولت نیست؛ سایر فضاهای سرزمین‌زدایی شده همراه با فروپاشی جامعه‌ی ملی به عنوان تنظیم کننده ممتاز فضای اجتماعی ظهور یافته‌اند (Delanty, 2000). در این فضا افراد هر جامعه با آداب و رسوم، سنت‌ها و آرمان‌های افراد و جوامع دیگر آشنا شده و در صورت پذیرش منطقی یا غیرمنطقی این عناصر، به تغییر در آداب و رسوم جامعه‌ی خود می‌پردازند. در فضای

جهانی، سرمایه‌گذاری برای ایجاد شبهه و ابهام در آرمان‌های دیگران برای ترغیب و اقناع آن‌ها جهت پذیرش آرمان‌های خودی از طریق دروغ، فریب و ... انجام می‌شود که نتیجه آن می‌تواند نیازسازی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... در جوامع ضعیف برای ایجاد وابستگی فکری و عملی باشد. اختلاف افکنی بین اقوام، جنگ با اصول قانون اساسی، بازی با مفاهیمی همانند دموکراسی، حقوق بشر و آزادی در کشورهای اسلامی و جنگ با بنیان خانواده و ازدواج، از جنگ‌های نرم این حوزه هستند.

**ب. حوزه‌ی هویتی:** نتیجه عملکرد قدرتمند و مقتدرانه یک فرهنگ در فضای کنونی حاکم بر جامعه جهانی، بیزاری و بی‌علاقگی افراد به فرهنگ و ایدئولوژی ضعیف خودی و عشق و علاقه به فرهنگ و ایدئولوژی قوی و بیگانه است. با توجه به این عشق و علاقه به مرور ذهنیت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها، رنگ و بوی فرهنگ بیگانه را به خود گرفته و فرد خود را شهروند دولت و فرهنگ قوی دانسته و از هویت فردی و ملی خود جدا خواهد شد. در این صورت است که اصطلاحاتی چون روشنفکر غرب‌زده و توصیه‌هایی چون بازگشت به خویشتن، ندا‌های دعوت به اتحاد و بصیرت وارد کتاب‌ها، رسانه‌ها و گفتارهای مختلف می‌شود.

**ج. حوزه‌ی تعاملات اجتماعی:** شهروند جهانی، مهاجرت مجازی، اشتغال مجازی، چندفرهنگی بودن و از این قبیل اصطلاحات به دنبال توسعه‌ی ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی، تسهیل و تسریع فرایند تعاملات انسانی مطرح شده‌اند. این ابزارهای تعامل، برای پیشبرد اهداف جنگ نرم قابل استفاده هستند. از طریق وبلاگ‌های فردی و گروهی، شنود مکالمات، تسلط به ارتباطات الکترونیکی، نفوذ در شبکه‌های سازمانی و ملی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه‌های وابسته به فرقه‌ها و گروه‌های خاص بر ذهنیت‌ها و اعتقادات تأثیر گذاشته می‌شود. از طرف دیگر گسترش این تعاملات در جوامع ضعیف‌تر باعث تغییر نحوه کنش متقابل افراد آن جوامع با همدیگر و در نتیجه منجر به گرایش و عمل به محتوا، روش و ارزش‌های القایی ابزارهای ارتباطی بیگانه شده، به تدریج سبک زندگی دستخوش تغییر بنیادین می‌شود.

**د. حوزه‌ی فناوری‌های اجتماعی:** با ورود فناوری‌های جدید به جوامع، اصطلاحات، روش‌ها و فرهنگ استفاده از آن نیز وارد می‌شود. همچنین صدور فناوری ناقص و تاریخ‌گذشته به کشور مقصد، بدون ارائه‌ی آموزش در مورد آن و بدون در نظر گرفتن ارزش‌های بومی، فضای وابستگی، عقب‌ماندگی و دل‌بستگی را تشدید می‌کند. به عبارتی ورود هر فناوری و ابزار جدید در یک کشور به همراه خود شکلی جدید از زندگی وارد

می‌کند و این شکل جدید نیازهای خود را می‌طلبد. از نگاه جنگ نرم، این یعنی نیازسازی برای ورود اقتصاد و فرهنگ به سایر کشورهایی که می‌خواهید هم‌رنگ و نیازمند و سرباز شما شوند.

### ۱-۲-۳. جنگ نرم علمی و فناوری

اگر به دانش و فلسفه به عنوان دو نماینده اندیشه آدمی بنگریم، خواهیم دید که همواره رابطه‌ای معنی‌دار میان سه مقوله دانش، فلسفه و قدرت وجود دارد و بحث از تأثیر آن‌ها بر هم در حقیقت بحث از دانش و فلسفه به مثابه [منبع] قدرت است (توکلیان، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۷). ملتی که علم ندارد محکوم به عقب ماندگی، ذلت و فرودستی در معادلات جهانی است<sup>۲</sup> (عبدلی و عباسی، ۱۳۹۱: ۹۹). علم، محور توسعه‌ی حقیقی<sup>۳</sup>، موجب عزت و اعتماد به نفس یک فرد و یک ملت<sup>۴</sup>، پایه و زیربنای اقتدار ملت<sup>۵</sup>، نیاز اول کشور، قدرت و اقتدار<sup>۶</sup> است (معینی، ۱۳۸۷). «پیشرفت دانش و فناوری در دستان افراد شایسته، جهت سودآوری و بهره‌دهی به کار می‌روند، اما در صورتی که در اختیار افراد ناصالح و ناشایسته قرار گیرند می‌توانند خطرات سهمگین به بار آورند» (گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). علم و فناوری و پیشرفت‌های آن می‌تواند برای اعمال قدرت از سوی کشورهای توسعه یافته بکار گرفته شود. اگر این پیشرفت‌ها وابستگی محتوایی و فکری ایجاد کند، می‌تواند منجر به مهاجرت نخبگان، تقلید فکری، ترجمه بدون توجه به شرایط بومی شود. جنگ‌های نرم این حوزه به اشکال زیر اتفاق می‌افتد؛

**حوزه اول. آموزش:** محتوا، روش‌ها، فضاها و رسانه‌های آموزشی، عناصری در فرایند آموزش هستند که بیگانه بودن این عناصر به فرهنگ، دین و آداب و رسوم یک ملت، غیربومی و تقلیدی بودن می‌تواند آن‌ها را به وسیله‌ای برای اقدام به جنگ نرم تبدیل کند. محتوای نظری صرف و غیرفعال، روش‌های آموزشی سنتی، استاد محوری، تأکید بر محفوظات بجای خلاقیت، تفکر انتقادی و اندیشیدن فعال، استفاده از رسانه‌های آموزشی نامناسب مانند فیلم‌های آموزشی بیگانه که متضاد با نظام ارزشی یک ملت هستند، تأکید بر آموختن مهارت‌های مختلف، مناسب با نیازمندی‌های جوامع بیگانه و ایجاد فضای آموزشی مناسب فرهنگ بیگانه از مواردی هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم عناصر آموزشی را تبدیل به ابزارهای جنگ نرم کرده و فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی را تبدیل به سربازان بیگانه، بی‌تعهد به وطن و عاری از بصیرت می‌کنند.

**حوزه دوم. پژوهش:** در این زمینه از روش‌های جنگ نرم مانند فریب، دروغ، بزرگ‌نمایی و بی‌اعتبارسازی استفاده زیادی می‌شود. معتبر جلوه دادن مجلات علمی

و یافته‌های علمی خودی و در مقابل بی‌اعتبار جلوه دادن مجلات و یافته‌های تحقیقاتی ملت‌های دیگر؛ بزرگ‌نمایی و جهان‌شمول نشان دادن اولویت‌های تحقیقاتی خودی، تأکید بر اعتبار و برتری بانک‌های اطلاعات پژوهشی و معرفی این مخازن اطلاعات علمی به‌عنوان شاخص و معیار سنجش کیفیت و کمیت تولیدات علمی کشورها، ارائه بورس‌های تحصیلی و تحقیقاتی (از کارشناسی ارشد تا پسادکتری) و فرصت‌های مطالعاتی برای اندیشمندان کشورهای در حال توسعه در جهت استفاده از آن‌ها برای رفع نیازهای تحقیقاتی و همچنین تغییر ذهنیت آن‌ها به نفع اولویت‌های خودی از اقداماتی هستند که اغلب به‌طور غیرمستقیم تغییر ذهنیت‌ها، وابستگی علمی و فکری، و خدمت به بیگانه را به دنبال دارد.

**حوزه سوم. تربیتی:** حوزه‌ی تربیتی ناظر بر اقداماتی است که نیروی انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این منظر دو دسته از اقدامات قابل توجه است:

**یک. اقدامات تربیتی در بخش دانشجویی:** برخی از تحلیل‌گران غربی بر این عقیده هستند که جمهوری اسلامی را می‌توان با نفوذ به درون ذهنیت علمی دانشجویان در قالب فرآیندهایی چون بورس و غیره، با بحران مواجه نمود (رنجبران، ۱۳۸۸). «در حرکت‌ها و تشکلهای دانشجویی، قدرت تحلیل که نباشد انسان فریب تحلیل‌گر بیگانه را می‌خورد. در دنیای سیاسی امروز با مغالطه‌هایی سیاسی کاری می‌کنند که بتوانند بر دانشجو تسلط پیدا کنند. درست مثل مغالطه‌های فلسفی، ذهن طرف را با یک چشم‌پنداری علمی، منحرف [و همراه خود] می‌کنند» (فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۷۹). وارد شدن در جریان‌های سیاسی بدون داشتن قدرت تحلیل و تفکر انتقادی، تقلید کورکورانه، چندجبهه کردن تشکلهای دانشجویی و متضاد نشان دادن آن‌ها، تغییر رسالت اصلی دانشجو (یادگیری، پژوهش، مهارت‌ورزی و دستیابی به ذهنیت فلسفی) به تغییر دهنده نظام ارزشی و سیاسی موجود (با تقویت تفکر رادیکال)، جذب دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی معاند یا در فرقه‌ها و تشکلهای هدایت شده از طرف بیگانه، نمونه‌هایی از راه‌های جنگ نرم از طریق دانشجویان هستند.

**دو. اقدامات تربیتی در حوزه‌ی اساتید:** از نظر اسلام، انسان رشد یافته کسی است که اهل فکر و تشخیص باشد و اگر وی فکر و اندیشه خود را به طرز صحیحی به کار گیرد و هدف او تنها درک حقیقت باشد، می‌تواند راه رستگاری را از سبیل گمراهی تشخیص دهد (رضایی زارچی و رهنما، ۱۳۸۸: ۲۲-۳۷). نقش معلم و مربی در جامعه ما، نقش طراز اول است. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری بیان داشته‌اند: «قدرت تعلیم و تربیت

و معلمی [و استادی] و سنگر فرهنگی را بدانید» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۳۱). ایران مدت هاست برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها تلاش می‌کند. در صورتی که اعضای هیئت علمی ویژگی‌های مورد نظر گفتمان انقلاب اسلامی را نداشته باشند، قابلیت تبدیل شدن به عناصری بیگانه یا مخالف با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را خواهند داشت. دشمن از جایگاه و نقش اعضای هیئت علمی در شکل‌دهی و هدایت دانشجویان و سرمایه‌های آینده جامعه آگاه است؛ بنابراین با تبلیغات رسانه‌ای زیاد، با اختلاف افکنی بین عالمان دانشگاهی و حوزوی، با دادن امکانات و مشوق‌های مادی، دادن اعتبار و ارزش کاذب به این قشر فرهنگ‌ساز، این امکان را برای خود فراهم می‌کند که با استفاده از اساتید فریب خورده، کلاس‌های درسی دانشگاه‌ها را تبدیل به محل آموزش و تبلیغ فرهنگ و برنامه‌های خود و تربیت نیروی مورد نیاز خود کند.

**حوزه چهارم. مدیریتی:** دانشگاه‌ها کانون تولید و انتقال علم، فرهنگ‌پذیری، انتقال و بازتولید ارزش‌های فرهنگی در سطح ملی هستند، بنابراین مراجع سیاست‌گذار در این زمینه قادر نیستند به این نهاد بی‌اعتنا باقی بمانند (خانیک، ۱۳۸۳: ۲۸۴-۲۹۰). اکنون که محیط بیرونی آموزش عالی فراملی شده و امکان تأثیر محیط جهانی بر دانشگاه فراهم است، دشمن با تأثیر گذاشتن بر عوامل انسانی دانشگاه سعی در تضعیف و وابسته کردن دانشگاه‌ها و دانشگاهیان دارد. تحریم ارتباطی و اطلاعاتی دانشگاهیان، بی‌اهمیت جلوه دادن یافته‌های تحقیقاتی، محروم‌سازی از اطلاعات علمی، جذب نخبگان با پرداخت هزینه‌های بالا و یا با فریب، عدم فروش ابزارهای آزمایشگاهی، سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای پیشرفته و تلاش برای جلوگیری از تولید علم بومی از مواردی هستند که جهت تحقق اهداف جنگ نرم انجام می‌شوند. در حقیقت عقب‌نگه داشتن و محروم‌سازی از یک طرف و فریب، جذب و بی‌اعتبارسازی از طرف دیگر راهبردهایی برای جنگ نرم مدیریتی در علم و فناوری هستند.

## ۲. رسالت‌های دانشگاهیان

### ۲-۱. رسالت اولیه‌ی دانشگاه

رسالت، متمایز کننده یک سازمان از دیگر سازمان‌ها و محوری‌ترین نقطه‌ی توجیه کننده هستی و چیستی سازمان از یک سو، و کلیه برنامه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و هزینه‌های آن از سوی دیگر است (الویری، ۱۳۸۳: ۵۴۱ - ۵۴۸). بر این اساس دانشگاه‌ها با انجام دو رسالت عام و خاص می‌توانند به جنگ نرم دشمن پاسخ گویند.



**الف. رسالت عمومی دانشگاه:** رسالت‌های دانشگاه به ترتیب ظهور تاریخی عبارت از آموزش، پژوهش، خدمات اجتماعی و فناوری بوده است. در آغاز هزاره‌ی جدید «رسالت آموزش عالی که بنیاد همه فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های این نهاد مهم اجتماعی است، دستخوش تحولی بنیادین در مسیر اخلاق‌گرایی و تعالی انسان و جامعه است» (فولتون، ۱۳۷۶). توجه بیشتر به حیطة عمومی و فضا سازی اجتماعی، در عین تلاش برای حفظ ارتباط سازنده و نزدیک با تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و علاقه به حضور [و تأثیرگذاری] در صحنه‌های جهانی (پایا، ۱۳۸۵، ۱۲۴) از دیگر رسالت‌هایی است که در موج پنجم فعالیت‌های نهادهای مولد اندیشه، همانند دانشگاه مورد توجه است. یکی از رسالت‌های جدیدی که دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی برای خود ذکر کرده به شرح زیر است: «با وحدت بخشیدن به خصوصیات اعتقادی (ایمان)، دانشی (علم)، و شخصیت ممتاز (اخلاق)، روشنفکران و متخصصین را با ویژگی‌های برتر برای خدمت‌گزاران به عنوان عاملان پیشرفت متعادل و جامع و نیز توسعه امکان‌پذیر در مالزی و جهان اسلام پرورش دهد» (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۱۱). به عبارت دیگر تلفیق علم و عقلانیت با ارزش‌ها و فرهنگ و توجه به رشد انسان در تمامی ابعاد برای اعتلای مادی و معنوی جامعه از رسالت‌هایی است که دانشگاه‌ها به‌طور رسمی وارد این حوزه شده‌اند. در داخل دانشگاه‌ها نیز عواملی همانند جنگ فرهنگی باعث توجه به این رسالت شده است. جنگ‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها تا حدودی از تغییر صف‌بندی‌ها در روابط بین نسل‌ها ناشی می‌شد. انقلاب جنسی در دهه ۱۹۶۰ و جنبش‌های سیاسی گسترده در ایالات متحده درباره حقوق مدنی و مخالفت با جنگ ویتنام معنای جدیدی به امر سیاسی بخشید. دانشجویان شروع به زیر سؤال بردن محتوای دروس و چگونگی تدریس و دانشگاهیان شروع به بازاندیشی در محتوا و ماهیت برنامه‌های آموزشی کردند. جنگ بین دو روایت از فرهنگ (فرهنگ دو نسل یا فرهنگ دو گروه و جامعه)، به هر حال دیگر صرفاً نبرد تعاریف نیست بلکه ستیزی سراسری و بخشی از پیکره سیاست جهانی در هزاره جدید است (اوانز، ۱۳۸۷: ۲۱-۱۹).

**ب. رسالت خاص دانشگاه اسلامی:** با توجه به رسالت‌های مذکور و اهمیت نقش‌آفرینی و پیشرو بودن دانشگاه در تحولات اجتماعی، امروزه مدل دانشگاه پاسخگو و تمدن‌ساز مورد توجه اندیشمندان است. پاسخگویی دانشگاه هیچ تفاوتی با پاسخگویی سایر نهادها و فعالان جامعه ندارد و باید مبین رابطه نقش دانشگاه با نیازهای جامعه و میزان کارآمدی آن باشد (بوررو، ۱۳۸۹: ۳۱۲). بنابراین توجه به رسالت فرهنگی در راستای افزایش نقش

و توان پاسخگویی دانشگاه به نیازهای جامعه است. در رسالت‌ها و سیاست‌های دانشگاه اسلامی به موارد مهم زیر اشاره شده است:

**اول.** احیاء و حفظ ارزش‌های اسلامی در محیط‌های علمی با استفاده از روش‌های کارآمد و هماهنگ با شئون محیط‌های علمی.

**دوم.** زمینه‌سازی به منظور ایجاد توانایی بحث و گفتگو و نقد و ارزیابی سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها.

**سوم.** نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر برنامه‌ریزی فرهنگی (دبیرخانه شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، ۱۳۸۳: ۲۳).

از نگرانی‌های اصلی در خصوص محیط‌های فناوری جدید، استفاده نادرست از فناوری‌های جدید، اشاعه نادرست ارزش‌های فرهنگی بیگانه و کم‌رنگ شدن ارزش‌های خودی است. برای مواجهه با این چالش، بسترسازی فرهنگی، اشاعه آداب معاشرت شبکه‌ای، توسعه برنامه‌های فرهنگی بومی و مبتنی بر نظام ارزشی جامعه می‌تواند مفید باشد (جعفری، ۱۳۸۳: ۵۱۱-۵۲۱). با توجه به مباحث بالا و اینکه امروزه مهم‌ترین عرصه‌ی جنگ و تأثیرگذاری روی ملت‌ها و دولت‌ها عرصه فرهنگی است، به این نکته پی برده می‌شود که بی‌اعتنایی به تهاجم فرهنگی، سرانجامی مرگبار برای فرهنگ خودی خواهد داشت. راه اصلاح یک مملکت فرهنگ آن است. استعمار در فرهنگ ما کارهای بزرگ می‌کند. نمی‌گذارد جوان‌های ما مستقل بار بیایند و در دانشگاه درست رشد بکنند (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۹۰). «از تاریخ آموخته‌ایم که قدرت را باید با قدرت پاسخ داد. قدرت فرهنگی همتای خود را می‌طلبد و فرهنگ می‌تواند رزمگاهی علیه شیخون و تهاجم فرهنگی اربابان به اصطلاح نظم نوین فرهنگی با سلاح‌های جدید فناورانه باشد» (قورچیان، ۱۳۸۳: ۱۲۵-۱۲۸). بنابراین نیاز است بی‌درنگ به زنده و فعال کردن رسالت فرهنگی دانشگاه‌ها برای مقابله با تهاجم‌های عصر حاضر و هدایت و جهت‌دهی به جامعه برای مقابله با جنگ نرم بپردازیم.

## ۲-۲. رسالت فرهنگی

اینکه رسالت فرهنگی را رسالتی جدید مطرح می‌کنیم نه به خاطر آن است که تا الان مطرح نبوده است؛ بلکه به این دلیل است که تاکنون هم از جنبه علمی و هم از جنبه اجرایی توجه جدی به آن نشده است. از طرف دیگر امروزه فعالیت‌ها و محصولات فرهنگی، متنوع و دارای تأثیرگذاری گسترده و عمیق هستند. دانشگاه‌ها می‌توانند نقش مؤثری در آماده‌سازی شهروندان برای یک زندگی معنوی‌تر داشته باشد (بریجز و دیگران،

۱۳۸۹: ۳۷۴). در جهان غرب نبرد بر سر فرهنگ در آموزش عالی دیگر درباره این نیست که چه چیزی تدریس می‌شود، بلکه دانشگاه‌ها به فرهنگی سیاسی متعهدند که آشکارا به پیشبرد اهداف دولت غربی مربوط می‌شود (اوانز، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۲). امروزه تهاجم‌های فرهنگی هیچ فردی از جامعه را استثنا نمی‌کند و البته هسته‌ی مرکزی خود را قشر نخبه و دانشگاهی قرار می‌دهد، زیرا که این اقشار بر کل جامعه تأثیرگذار هستند. اصولاً فرهنگ مهاجم، با استفاده از ابزارها و تاکتیک‌های جدید، زمینه را برای آسیب‌پذیری دانشگاهیان فراهم می‌آورد. برای مقابله با این تاکتیک‌ها، دانشگاه از کارکرد فرهنگی خود بهره می‌برد که در زمینه این کارکرد «می‌توان از توسعه و اعتلای فرهنگی جامعه، غنابخشی فرهنگ عمومی برای رشد و توسعه فرهنگ علمی، حفظ و انتقال و بازاندیشی سنت‌ها و میراث فرهنگی گذشته و تجدید حیات جامعه یاد کرد» (رئوفی، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۴۳). در همین راستا «باید بفهمیم این را که ما خودمان فرهنگ داریم، یک فرهنگ غنی و فرهنگمان از خارج بهتر است (سعادت‌مند، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

## ۲-۳. رسالت اجتماعی

یکی از عواملی که قرآن کریم تأثیرگذاری‌اش را بر انسان پذیرفته است، محیط اجتماعی است. گروه همسالان، افراد بانفوذ، محافل علمی و مذهبی، رهبران مذهبی و سیاسی، محافل خصوصی، انجمن‌های دوستی و حزبی (اژدری‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۶) از عناصر این محیط هستند که در نظام اعتقادی و ارزشی و شخصیت افراد انسانی همانند دانشگاهیان مؤثرند. اگر دانشگاه اصلاح بشود آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. محیط دانشگاه به طور طبیعی محیط شادابی، نوآوری، و نوزایی است. محیط بالیدن شخصیت‌ها، جوشیدن استعدادها و بروز و ظهور نقاط درخشان پنهان است. چیزی که از نگاه ارزشی و آرمانی جوان نامطلوب باشد، بیش از همه در محیط دانشگاه حساسیت به آن به وجود می‌آید. محیط دانشگاه، محیط گرایش‌های دینی و معنوی لطیف هم هست. باید به ذهنیت دانشجویان و جوانان و اعتقادات و روحیه اسلامی و انقلابی آن‌ها خیلی توجه شود (جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالائمه، ۱۳۸۹). اندیشمندان پست مدرنیسم «نظام آموزش و پرورش [و آموزش عالی] کنونی را عامل انتقال فرهنگ ممتاز یا فرهنگ نخبگی می‌دانند» (فرمی‌هنی فراهانی، ۱۳۸۳: پیشگفتار). در تأیید تأثیر جو دانشگاه بر دانشگاهیان یافته‌های فراوانی وجود دارد. نمونه‌ای از این تحقیقات در مورد دانشجویان سال اول به این نتیجه رسید که تازه واردان به سرعت ماهیت انتظارات، معیارها و ارزش‌های دانشگاه را کسب کرده و خود را با آن تطبیق می‌دهند به طوری که نمی‌توان آن‌ها را از دیگران

و افراد قدیمی تر شناخت (Rossi, 2001). کارکرد آموزش عالی تنها توسعه کمی برای تحقق رسالت‌های خود نیست بلکه توسعه کیفی این رسالت‌ها بسیار مهم بوده و برون‌داد دانشگاه‌ها همان است که امام خمینی (ره) فرمود: «شما از دانشگاه مؤمن بیرون بدهید، ما از مدرسه‌ها مؤمن بیرون بدهیم نه فقط عالم، عالم تنها فایده ندارد، مؤمن تنها هم چندان مؤثر نیست. اما عالم وقتی مؤمن شد، آنگاه منشأ خیرات و برکات است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۴۷۳). همچنین می‌فرمایند: «مهم در دانشگاه‌ها، دانشسراها، تربیت معلم و تربیت دانشجوی این است که همراه با تعلیم و تعلم، تربیت انسانی باشد. چون اشخاصی که در علم به مرتبه اعلا رسیده‌اند لکن تربیت انسانی ندارند، همچون اشخاصی ضررشان بر کشور، بر ملت و بر اسلام از دیگران زیادتر است» (فرشادفر، ۱۳۸۴: ۳۹). دانشگاهی فرهنگ‌ساز و انسان‌ساز است که محیط درونی آن میدان اندیشه و فرهنگ، منطق و علم، تجلی عقل، تفکر و استدلال و بحث و بررسی باشد. در اینصورت است که حقایق روشن می‌شود و رفتارهای دارای پشتوانه عقلی و فطری در محیط درونی دانشگاه نهادینه شده و برای دانشگاهیان ارزشمند و قابل دفاع می‌شود تا دشمن فرهنگی مغلوب و فرهنگ دانشگاهی به محیط پیرامون خود نفوذ کند. بنابراین لازم است جو دانشگاهی به سلاح منطق و استدلال، تفکر و تحقیق، دیانت و علم مجهز شود. آرام و منطقی نگه داشتن محیط دانشگاه و جلوگیری از متزلزل شدن کار علمی در دانشگاه‌ها و کوتاه کردن دست سوء استفاده کنندگان سیاسی و فرهنگی بیرونی، از اقداماتی است که لازمه حفظ منزلت و جایگاه دانشگاه در تولید و بازتولید فرهنگی در ضمن عمل به رسالت‌های آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی آن است.

## ۲-۴. رسالت تربیتی

هر باسوادی عالم حقیقی نیست و علم غیر از سواد است. امام علی (ع) در حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه به کمیل فرمودند: «یک دسته عالم ربانی‌اند، یک دسته دانش‌آموزند که نزد علمای ربانی درس می‌خوانند و تعلیم می‌گیرند، بقیه پشه‌هایی‌اند که در فضا پراکنده‌اند». پس در اسلام یک نوع علم بیشتر نمی‌شناسیم و آن هم علم ربانی است که جهت‌گیری الهی دارد و یک عالم بیشتر نمی‌شناسیم و آن عالم ربانی است (فرشادفر، ۱۳۸۴). اساتید دانشگاه علاوه بر توانایی و به‌روز بودن در محتواهای علمی، توانایی در تولید علم بومی، توانایی در روش‌های آموزشی و استفاده از ابزارها و رسانه‌های آموزشی، توانایی در پژوهش و روش‌های علمی حل مسئله، اکتشاف، استدلال، تفکر منطقی و انتقادی لازم است آراسته به صفات الهی و برخوردار از ویژگی‌های پیامبران و پیشوایان الهی باشند،

زیرا که معلمی شغل انبیاست. رهبر معظم انقلاب درباره‌ی اساتید دانشگاه‌ها مواردی مطرح فرمودند که به‌طور خلاصه در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

استاد می‌تواند محیط دانشگاه و دانشجویان را تحت تأثیر خود قرار دهد بنابراین لازم است در حد مقدور باید‌هایی را رعایت کند و به نبود این باید‌ها راضی نشود.

- استاد باید سرشار از غرور ملی، انقلابی و عشق [و معرفت] به دین باشد.

- استاد باید از بی‌تفاوتی، بی‌اعتنایی و از کلاس و وقت دانشجویان را به هرچه گذراندن به دور باشد.

- استاد باید مدافع خلاقیت، نوآوری و ابتکار باشد.

- استاد نباید سیاست‌زده باشد، لازم است سیاست بفهمد ولی باید انگیزه‌های سیاسی‌اش جنبه جناحی، شخصی و حزبی پیدا نکند (فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۴۴-۴۶).

اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با توجه به مقبولیت خود نزد دانشجویان و منزلت اجتماعی‌شان در پرورش نسل‌ها و در بازتولید یا تولید فرهنگی نقش مؤثری دارند. اگر بخواهند این نقش را درست انجام دهند لازم است ابتدا به خودسازی بپردازند. «چگونه می‌توانیم امیدوار باشیم که بدون اصلاح خودمان، سیاره خود را بهبود بخشیم» (میلر، ۲۰۰۰: ۲۱۶). تزکیه و خودسازی، علم وافر، هنرمندی در تربیت، تعامل مؤثر، معنویت و اخلاق محوری، توجه به رشد حرفه‌ای، اختصاص وقت کافی برای دانشجویان، نوآور و جسور بودن در عرصه تولید علم، یادگیری مادام‌العمر، تلاش برای تولید و بازتولید فرهنگی برای دانشجویان و سایر افراد جامعه، پرهیز از سیاست‌زدگی و از این قبیل، مواردی هستند که از اساتید برای توانمندی در ایفای نقش خود برای تحقق کارکرد فرهنگی دانشگاه انتظار می‌رود. «امروزه تمرین مشارکت در اداره دانشگاه، جستجوی روش‌های بهسازی آموزش، تربیت فرهنگی دانشجویان، ترویج فرهنگ علمی، ترویج یادگیری و تفکر انتقادی، طراحی برنامه‌های درسی اثربخش و ارتباط با جامعه، از جمله مسائل مهم دانشگاه‌های کشورهای مختلف است و به نظر می‌رسد با ترویج آموزش‌های اثربخش اعضای هیئت علمی می‌توان برای آن‌ها راه‌حل‌های کارآمدی پیدا کرد. بنابراین ضرورت تدوین، ارائه و ارزشیابی برنامه‌های خودنوسازی هیئت علمی، شکل جهانی به خود گرفته است» (سرکارآرانی، ۱۳۸۸: ۴۴۳). پس سزاوار است این هدایت‌گران و افسران جنگ نرم خود را از همه لحاظ مهبیای نقش‌آفرینی مؤثر در جامعه دانشگاهی، ملی و جهانی کنند.

## ۲-۵. رسالت آگاهی و آگاهی بخشی دانشجویان

دانشجویان از افسران جنگ نرم، به ویژه در عرصه علم و فناوری، فرهنگ و جامعه سازی هستند. از دیدگاه رهبر معظم دانشجو باید سیاست را بفهمد، در کنار حرکت علمی و فکری به سمت یافتن قدرت تحلیل سیاسی کشانده شود (فیروزآبادی، ۱۳۸۷). ایشان از کم اطلاعاتی جوانان امروز [به خصوص دانشجویان] از تاریخ کشور خود گلایه می کنند و این در حالی است که تاریخ های علمی کشورهای غربی در کشور ما ترجمه شده و فراوان به آن ها رجوع می شود. این انتظار از اساتید که خود را ترکیه و ربانی کنند، به خاطر کمک به تربیت دینی و معنوی دانشجو هم است. رهبر معظم انقلاب می فرماید: «تربیت دینی دانشجویان بایستی یکی از اهداف مجموعه اساتید دانشگاهی کشور باشد. دانشجو را باید هم متدین و هم دارای باورهای ملی و اعتماد به نفس ملی بار آورد». و در جای دیگر می فرماید: «ذهن دانشجو ذهن پرسشگری است، ... بهترین کسانی که می توانند در مسائل دینی، اعتقادی، سیاسی، معرفتی و توحیدی پرسشگری کنند، جوانان دانشجو هستند (فیروزآبادی، ۱۳۸۷). در مورد علم آموزی نیز از فرموده های رهبر معظم می توان به تأکید بر علم همراه با اخلاق، خطرپذیری و کار سخت، پرهیز از عوام گرایی در فعالیت های دانشگاهی، افزایش میل به پژوهش، تقویت قدرت منطقی و استدلال و تلاش برای علم آموزی و تولید علم به جای مدرک گرایی اشاره کرد. در مورد علاقه و توصیه ایشان به حرکت علمی و جهاد علمی همین بس که در بازدید از پژوهشکده رویان (۱۳۸۶)، ضمن آنکه این مؤسسه را به عنوان الگوی مطلوب حرکت علمی معرفی می کنند، می فرماید: «اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یک جمله معرفی کنم، عبارت است از ترکیب علم، ایمان و تلاش» (فیروزآبادی، ۱۳۸۷). «ما در دانشگاه هایمان، ابزار و وسایل لازم برای هدایت فکری نسل جوان دانشجو به قدر وافر و کافی نداریم و تفکر انقلابی، عمق و پختگی لازم را در دانشگاه پیدا نمی کند (مرکز پژوهش های فرهنگی اجتماعی صدرا، ۱۳۹۰: ۳۶۳). با توجه به اینکه ذهن پرسشگر دانشجویان از یک طرف و اطلاعات و تجربیات محدود آن ها در تحلیل سیاسی از طرف دیگر ممکن است باعث شود به عنوان ابزاری در دست سیاسیون داخلی و خارجی قرار گیرند و رسالت اصلی خود یعنی علم آموزی، خودسازی، تولید علم و تقویت تفکر استدلالی، منطقی و انتقادی خود را به دست فراموشی بسپارند؛ بنابراین توجه به مباحث بالا و هدایت گری اساتید دانشگاه و تجهیز دانشگاه ها به ابزارها و برنامه های فرهنگی، کمک خواهد کرد تا دانشجویان در جنگ نرم دوست و دشمن را درست تشخیص داده و با سلاح علم و استدلال از نظام ارزشی و فرهنگ ملی خود دفاع کنند.

## ۲-۶. رسالت اجرایی مسئولان و برنامه‌ریزان دانشگاهی

دانشگاه هم از جنبه محیط درونی و هم محیط بیرونی از پیچیدگی‌ها و عوامل فرهنگ‌ساز فراوان و متنوع برخوردار است. تردیدی نیست که محیط آینده، به‌طور عمومی و به تبع آن، محیط آموزش عالی، محیط راهبردی است. چنین محیطی فرار، نامطمئن، پیچیده و مبهم است (Guillot, 2005). در این موقعیت «نمی‌توان دانشجو [و سایر عوامل انسانی دانشگاه] را تنها به‌وسیله‌ی ضوابط هدایت کرد. لازم است دانشگاه از این تنوع مطلع باشد و به دور از محدود ساختن و نادیده گرفتن، در فهم [و افزایش قدرت تحلیل] آن‌ها (دانشجویان و سایر منابع انسانی دانشگاه) بکوشد» (یمنی‌دوزی سرخابی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۸). آموزش عالی اگر می‌خواهد از تغییرات عظیم و سریع محیطی عقب‌نماند و کارآمدی، معناداری و استمرار بقای خود را از دست ندهد باید در خود و محیطش، تغییرات قصد شده، هدفمند و معنادار بیافریند (Deal, 2002). با توجه به اینکه تغییرات محیط بیرونی و همچنین تغییر در افراد، فرهنگ، فناوری، محتوای علمی و سایر عناصر محیط درونی دانشگاه روی آن تأثیر می‌گذارد و همچنین به‌خاطر سریع و متنوع بودن این تغییرات لازم است، مسئولان دانشگاه‌ها و برنامه‌ریزان آموزشی، درسی و فرهنگی دانشگاه‌ها با نگرشی راهبردی و با بصیرتی کامل به تصمیم‌گیری‌های مقتضی شرایط درونی و بیرونی دانشگاه اقدام کنند. توجه به معیشت اساتید و کارکنان، توجه به امنیت و آرامش محیط علمی برای دانشجویان، تقویت سواد اطلاعاتی و فرهنگی منابع انسانی دانشگاه و دانشجویان، تقویت قدرت تحلیل، تصمیم‌گیری و بینش مذهبی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی دانشجویان و اساتید، اولویت دادن اخلاق حرفه‌ای و دانش بومی در تدوین محتوای علمی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه، توسعه و روزآمدسازی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها متناسب با اقتضائات روز از مواردی هستند که می‌تواند از طرف مسئولان و برنامه‌ریزان دانشگاهی طراحی و اجرا شده، دانشگاه و دانشگاهیان را برای تولید و انتقال فرهنگ به جامعه خود و جوامع دیگر آماده سازد. مؤلفه‌های قدرت نرم در فرهنگ اسلامی برابر آموزه‌های دین مبین اسلام، و شاخص‌های اصلی آن توجه به نیازهای فطری انسان، ترویج معنویت، عدالت، آزادی، پرهیز از دنیاگرایی محض و نگاه به زندگی دنیوی و حیات جاوید اخروی است (حسینی و مبینی، ۱۳۹۲: ۶۶-۲۳). در صورت توجه عملی مسئولان و مدیران به این مؤلفه‌ها، دانشگاه‌ها از هجوم جنگ نرم علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در امان بوده و آماده دفاع در مقابل هرگونه تهاجم نرم ناگهانی و شناسایی و خنثی‌سازی آن خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

در جامعه امروزی حفظ حیات دانشگاه با وجود مسائلی که کیفیتی فرهنگی و تمدنی یافته است، تنها با حفظ و ادامه رسالت‌های قبلی و پیگیری علم ابزاری امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بلکه لازم است علم دانشگاهی به استدلال، معرفت و بینش‌بخشی در کلیه جنبه‌های زندگی انسانی توجه کند. در عصر ما که شکل تقابل جنگی به جنگ نرم که شناخت آن دشوار است گرایش زیادی پیدا کرده است و نیاز است افراد جامعه، به‌ویژه دانشجویان، نخبگان و اساتید مجهز به سلاح‌هایی کارآمد و مناسب برای مبارزه نرم شوند، در چنین شرایطی پیچیدگی کار دانشگاه و دانشگاهیان برای عمل به رسالت فرهنگی و تمدن‌سازی در جامعه نمایان‌تر می‌شود. نهاد علمی در هر تمدنی وظیفه حفظ و توسعه بصیرت تاریخی آن جامعه را بر عهده دارد. این جنبه معنوی زندگی انسانی، کلیه فعالیت‌های افراد یک ملت را در طول تاریخ و عرض اجتماع به یکدیگر گره می‌زند و هویت جمعی مشترک فرهنگی - تمدنی را برای آن‌ها می‌سازد. این مؤلفه نرم‌افزاری، امکان تولد و تولید سخت‌افزاری تمدن را می‌دهد. نظریه دانشگاه تمدن‌ساز، چنین رسالتی را بر عهده دارد و در صدد است در یکی از مهم‌ترین شرایط تاریخی کشور، امت مسلمان را حول محور هویت ایرانی - اسلامی متحد سازد (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۸۸-۱۶۱).

نتایج پیمایش در زمینه‌ی آسیب‌شناسی محیط‌های آموزشی نشان دهنده آن است که در این محیط‌ها، میزان انزوای ارزشی با ۴۱ درصد، بالنسبه بالاست. لذا یکی از راهکارهای کاهش انزوای ارزشی نسل جوان، شناخت نیازها و اولویت‌های ارزشی آنان و پاسخ مقتضی به آن‌ها و تقویت حس اعتماد، اطمینان و همدلی در آنان و کاستن از میزان ناسازگاری‌های احتمالی میان جوانان و نظام اجتماعی است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۷۷). دانشگاهی که بخواهد جلو انزوای ارزشی را بگیرد لازم است دانشگاهی مولد ارزش، عامل به ارزش‌ها، تولید و توزیع‌کننده محتوا و برنامه‌های فرهنگی باشد و اگر دانشگاه بخواهد این نقش‌ها را ایفا کند باید از اساتید، مسئولان و دانشجویان عالم و مؤمن برخوردار بوده، متناسب با مقتضیات محیط درونی و بیرونی خود پویایی و قدرت سازگاری داشته باشد. این پویایی و سازگاری نه به معنی هم‌رنگی با محیط، بلکه به معنی جهت دادن به محیط و تولید و انتشار ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با شرایط جدید است. با توجه به مباحث و تحلیل‌های ارائه شده، راهکارهایی به شرح زیر جهت عمل مؤثر دانشگاهیان در جنگ نرم پیشنهاد می‌شود:

اول. مدیران و برنامه‌ریزان دانشگاهی و سایر نهادهای علمی - پژوهشی، خدمات پشتیبانی



و حمایتی مناسبی برای قشر دانشگاهی فراهم آورند. این خدمات شامل توسعه امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی، توجه به معیشت اساتید و دانشجویان، طراحی، تدوین و بازنگری محتوای آموزشی و درسی، ارتقاء امنیت و آرامش محیط دانشگاهی، توسعه سواد اطلاعاتی و سواد فرهنگی دانشگاهیان، افزایش قدرت منطق، استدلال و قدرت تحلیل سیاسی، بهبود پویایی و پرسشگری در فضای دانشگاه و مشابه این موارد هستند.

**دوم.** اساتید دانشگاه‌ها با خودسازی و توسعه‌ی حرفه‌ای مداوم به بصیرت‌بخشی، تقویت قدرت تحلیل دانشجویان، و ارائه پاسخ‌های استدلالی و مستند به پرسش‌ها، شبهه‌ها و ابهامات دانشگاهیان و عموم مردم بپردازند. عالم ربانی شدن؛ دیدن مسائل کلان، ظریف و حساس جامعه؛ شناسایی مقرر فرماندهی، ابزارها، اهداف و روش کار دشمن، مشارکت دادن دانشجویان در جنگ نرم و تقویت قدرت تحلیل، استدلال، تفکر انتقادی آن‌ها، از جمله وظایفی هستند که انتظار می‌رود اساتید دانشگاه‌ها خود را برای انجام آن‌ها مجهز کنند. از مهم‌ترین فعالیت‌های اساتید تدوین برنامه‌های درسی جدید و بازنگری در برنامه‌های درسی موجود به‌ویژه در علوم انسانی با تأکید بر ویژگی‌های بومی و ارزش‌های اسلامی است که بدین وسیله با تدوین و آموزش محتوای علمی فرهنگ‌ساز، عوامل ایجاد قدرت نرم را در دانشگاه‌ها ارتقاء دهند.

**سوم.** دانشجویان به‌عنوان افسران خط مقدم جنگ نرم، همچنین به‌عنوان یکی از اهداف تهاجم نرم دشمن لازم است با پرسش‌گری، تقویت قدرت تفکر، تلاش فراوان در یادگیری علم و روش‌های تولید علم و حل مسائل، پرهیز از افراط و تفریط در فعالیت‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی، امیدواری و نگاه مثبت و سازنده داشتن به آینده، یادگیری سواد اطلاعاتی و سواد فرهنگی برای تحلیل درست مطالعات خود در فضای مجازی، همنشینی با علمای ربانی و درس گرفتن از آن‌ها در حوزه و دانشگاه، دوری از سیاست‌زدگی و ابزار گروه‌های سیاسی یا فرقه‌های منحرف مذهبی شدن، آماده‌ی ایفای نقش صحیح در جنگ نرم باشند.

## یادداشت‌ها

- ۱- دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها با مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۰۲.
- ۲- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های کشور، ۱۳۶۹/۵/۲۳.
- ۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶.
- ۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.
- ۵- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۸۴/۰۷/۲۴.
- ۶- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲.



## منابع

۵۹

دانشنامه مطالعات  
قدرت نرم

مبین رسالت دانشگاه و دانشگاهیان در مقابله با جنگ نرم  
مسئله‌ی جهاد و همکار

- اژدری‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی معرفت در قرآن*. قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۷)، *دانش و ارزش: مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- الویری، محسن (۱۳۸۳)، «رسالت آموزش عالی»، *دایرةالمعارف آموزش عالی*. زیر نظر قورچیان و همکاران، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- اوانز، مری (۱۳۸۷)، *دانشگاه و رکود اندیشه*. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بریجز، دیوید و دیگران (۱۳۸۹)، *آموزش عالی و توسعه‌ی ملی*. ترجمه‌ی رضا سمیر، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بوررو، آلفونسو کابال (۱۳۸۹)، *دانشگاه نهادی امروزمین*. ترجمه علی شریفی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پایا، علی (۱۳۸۵)، *دانشگاه، تفکر علمی، نوآوری و حیطه‌ی عمومی*. تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- توکلیان، سید مجید (۱۳۸۸)، «دانش، فلسفه و قدرت: بررسی تاریخی مفهوم دانش و فلسفه در نسبت با قدرت و نقش قدرت در شکل‌دهی اندیشه»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تهران*. شماره ۲۰، ۱۰۲-۱۰۷.
- جعفری، پرپوش (۱۳۸۳)، «دانشگاه‌های مجازی»، *دایرةالمعارف آموزش عالی*. زیر نظر قورچیان و همکاران، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، **فرهنگ پیرو - فرهنگ پیشرو**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- جمعی از محققان دفتر فرهنگی فخرالائمه (۱۳۹۰)، **رهیافتی به منظومه‌ی فکری حضرت امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در حوزه‌ی فرهنگ و تربیت**. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸)، **فرهنگ و عرصه فرهنگی: اصول، مبانی و مسئولیت‌ها**. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.

- حسینی، سیدمحمد و مبینی، عبدالله (۱۳۹۲)، «تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی قدرت نرم انقلاب اسلامی»، **فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی**. دوره ششم، شماره ۲، ۶۶-۲۳.

- خانیکی، هادی (۱۳۸۳)، «تحولات نوین اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه»، **دایرة‌المعارف آموزش عالی**. زیر نظر نادر قلی قورچیان و همکاران، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

- خرمشاد، محمدباقر و آدمی، علی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. دوره دوم، شماره ۶، ۱۸۸-۱۶۱.

- دبیرخانه شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی (۱۳۸۳)، **دانشگاه اسلامی: رسالت‌ها، اصول و راهبردها**. تهران: دفتر نشر معارف.

- رضایی زارچی، رضا و رهنما، اکبر (۱۳۸۸)، «بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی»، **ماهنامه مهندسی فرهنگی**. سال چهارم، شماره ۳۷ و ۳۸، ۲۲-۳۷.

- رنجبران، داود (۱۳۸۸)، **جنگ نرم**. تهران: ساحل اندیشه.

- رئوفی، محمد (۱۳۸۸)، «دانشگاه و توسعه فرهنگی»، **فصلنامه برگ فرهنگ**. شماره ۲۰، ۱۳۱-۱۴۳.

- سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، **خودنوسازی حرفه‌ای اعضای هیئت علمی: مطالعه‌ای تطبیقی برای ارائه الگوی اثربخش، رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی**. به اهتمام محمد یمینی دوزی سرخابی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- سعادت‌مند، رسول (۱۳۸۹)، **درس‌هایی از امام: رسالت فرهنگیان و دانشگاهیان**. قم: انتشارات تسنیم.

- عبدلی، حسین و عباسی، مهدی (۱۳۹۱)، **دانشگاه اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

- فرشادفر، عزت‌اله (۱۳۸۴)، *مدل‌سازی ایدئولوژیک توسعه مبتنی بر دانایی*. تهران: سازمان بسیج اساتید.

- فرمی‌هنی فراهانی، محسن (۱۳۸۳)، *پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت*. تهران: نشر آبیژ.

- فولتون، او (۱۳۷۶)، «مطالعات آموزش عالی»، ترجمه غلامعلی سرمد، *گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

- فیروزآبادی، حسن (۱۳۸۷)، *تحلیل محتوایی جنبش نرم‌افزاری تولید علم از دیدگاه مقام معظم رهبری*. تهران: سازمان بسیج جامعه پزشکی.

- قورچیان، نادرقلی (۱۳۸۳)، «ارتقای ارزشی و فرهنگ معنویت دانشجویی»، *دایره‌المعارف آموزش عالی*. زیر نظر قورچیان و همکاران، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

- کامیار، مهران (۱۳۸۶)، مقایسه تطبیقی رسانه‌های سنتی مکتوب و الکترونیک، *پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک*. شماره ۹، صص ۱۲۳-۱۵۱. قابل دسترس در: <http://www.csr.ir/Pdf/Issues129/09%20ok.pdf>

- گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۸)، *تهدید نرم و راهبردهای مقابله*. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱)، «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی: بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌ها دولتی تهران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی*. شماره ۲۶.

- مرکز پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی صدرا (۱۳۹۰)، *فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری*. تهران: مؤسسه‌ی نشر شهر.

- معینی، فائزه (۱۳۸۷)، *دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی ایرانی در آینه آرا و اندیشه‌های امام و رهبری*. دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد ۱ و جلد ۷.

- میلر، جان. پی (۲۰۰۰)، *آموزش و پرورش و روح: به سوی یک برنامه درسی معنوی*. ترجمه نادرقلی قورچیان (۱۳۸۰)، تهران: فراشناختی اندیشه.

- یمنی‌دوزی سرخابی و همکاران (۱۳۸۸)، *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- Deal, W. L., (2002), *Leadership and change in: Field Guide to Academic leadership (Diamond)*. San Francisco: Jossey-Bass.

- Delanty, G., (2000), **Citizenship in a Global Age: Culture, Politics**, Society, Buckingham: Open University Press.

- Guillot, M. W., (2005), Strategic leadership: Defining the challenge, Air-power Journal, Vol. 2, No. 1, 113-128.

- Rossi, P. H., (2001), Student Culture National research center, U.S.A.

